



چالش‌های شکاف نسلی در عصر دیجیتال و راهکارهای جبرانی آن

مینا میرزایی^۱، حمید مسعودی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)^۱

چکیده

شکاف نسلی معضلی است ناشی از تغییرات سریع فرهنگی، اجتماعی و فناوری که در عصر دیجیتال به یکی از چالش‌های مهم در جوامع مختلف تبدیل شده است. پژوهش حاضر باهدف بررسی علل مختلف شکاف نسلی و پیامدهای آن به شناسایی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی و فناورانه، آموزشی و دینی-مذهبی این پدیده پرداخته است. نتایج تحقیق پیش‌رو نشان می‌دهد که ایجاد تغییرات سریع در ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی منجر به تغییر در الگوهای زندگی فردی و اجتماعی شده است که نسل‌های پیشین آن را قبول نداشته و بین دو نسل نوعی گفت‌وگوی اعتراضی وجود دارد. راهکارهای ارائه‌شده برای حل این معضل در جوامع دچار بیماری اجتماعی شکاف نسلی به شرح ذیل می‌باشد: در بعد فرهنگی: تقویت گفت‌وگوهای میان نسلی، ایجاد تعاملات فرهنگی بین دונسل، تقویت هویت ملی در عین احترام به هویت فردی؛ در بعد اجتماعی: افزایش فرصت‌های اجتماعی برابر برای دو نسل، جامعه‌پذیری صحیح، حمایت اجتماعی از گروه‌های آسیب‌دیده؛ در بعد اقتصادی: ایجاد فرصت اشتغال برابر برای دو نسل، آموزش‌های تخصصی و مهارت‌آموزی شغل‌های نوین و نوظهور برای نسل‌های پیشین، مدیریت و نظارت صحیح بر دریافت مالیات؛ در بعد سیاسی: تقویت دموکراسی، شفاف‌سازی تصمیمات و پاسخگویی مسئولین جهت جلب اعتماد سیاسی نسل حاضر و منفک نشدن آنان از شخصیت‌های سیاسی نسل پیشین، برگزاری نشست‌های پاسخگویی مسئولین به تصمیماتی که معترضان عمومی فراوان دارد؛ در بعد تکنولوژیکی: دسترسی به فناوری‌های نوین برای همه نسل‌ها، بکارگیری و آموزش مهارت‌های دیجیتال برای نسل‌های پیشین، پوشش همگانی تشویق به توسعه و تحقیق که مانع از رشد نسل‌های متمایز شود؛ در بعد دینی-مذهبی: تاکید بر حقوق برابر برای همه اقلیت‌های دینی، ترویج صلح و مدارا و احترام به عقاید مختلف و برگزاری همایش و نشست بین معتقدان به دین‌های مختلف.

کلیدواژگان: شکاف نسلی، هویت دیجیتال، ارتباطات نسلی، گسست نسلی، تغییرات فرهنگی.

¹. Email: hmdmasoudi@birjand.ac.ir

۱. مقدمه

فرایند انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر مفهومی است که به پدیده شکاف نسلی^۱ اشاره دارد. اگر بازتولید فرهنگی به نحو احسن صورت گیرد و فرایند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، بطور مناسب از نسلی به نسل دیگر منتقل شود؛ میزان اشتراک فرهنگی دو نسل افزایش می‌یابد. از جمله مظاهر اشتراک فرهنگی در درون خانواده برقراری روابط خوب احساسی و فکری و درک متقابل والدین و فرزندان می‌باشد. اگر فرهنگ موجود به شکل مناسب به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه مختل شده و بین نسل قدیم و جدید شکاف ایجاد می‌شود. نسل به معنای جامعه‌شناختی آن صرفاً «گروه هم‌سال زیستی معین» نیست؛ (شفرز، ۱۳۸۸) بلکه مفهومی که از نسل مدنظر است، معنای ذهنی‌ای می‌باشد که مانهایم مطرح کرده و نه معنای ساختاری و عینی آن که توسط بورديو مورد بررسی قرار گرفته است. درواقع در این بررسی منظور آن دسته از تجارب، ذهنیت و ارزش‌های خاص تاریخی هر نسل معینی است که با آن هویت می‌یابند (قاضی‌نژاد و توکل، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

با بررسی‌های جامعه‌شناختی که صورت گرفته واضح است که تفاوت فکری میان نسل‌های مختلف پدیده‌ی بدیعی نیست و از گذشته تاکنون وجود داشته است. جوامع موجود در دوران مدرنیته از لحاظ ارزشی و سبک زندگی اجتماعی و... شکاف عمیقی با جوامع سنتی پیشین دارند؛ بنابراین می‌توان شکاف نسلی را به‌نوعی پیامد صنعتی شدن و تحولات اجتماعی و اقتصادی چند دهه اخیر دانست. به‌زعم گیدنز (۲۰۱۳) مدرنیته درهم شکننده صورت‌های قدیم اجتماع و از بین برنده‌ی روابط شخصی در جوامع مدرن شده است. با توجه به تغییر و تحولات بوجود آمده در این زمینه، قلمرو خصوصی و خانوادگی تضعیف، و پدیده «تغییر شکل صمیمت» را موجب شده‌اند (گیدنز، ۱۹۹۲). در جوامع سنتی دختران شبیه مادران و پسران شبیه پدران زندگی می‌کردند و دائماً نسل قبلی، باز تولید می‌شد اما امروزه این روند ادامه ندارد و هر نسل الگوی متفاوتی برای زندگی درپیش گرفته است (آزاد ارمکی، ۲۰۰۷). شکاف نسل‌ها، عرصه جامعه را برای نوآوری محدود کرده و آن را از تکاپو می‌اندازد. جامعه‌ای که دچار این معضل باشد اختلال در انسجام دارد و باعث می‌شود مهارت‌های رفتاری نسل‌ها منقطع شده و مانع از پیشرفت شود. دراین صورت اعتماد بین‌نسلی به فراموشی سپرده شده و منافع فردی مقدم بر مصالح جمعی قرار می‌گیرد.

اخیراً تغییرات گسترده ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران منجر به بهبود شاخص‌هایی همچون افزایش میزان شهرنشینی، افزایش تحرک اجتماعی، صنعتی شدن، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و... زمینه را برای تغییرات ارزش‌ها و نگرش‌های اقشار

¹ Generation gap

جامعه ایرانی به وجود آورده است (ربیعی، ۱۳۹۷). نیازهای نسل جوان و نسل قدیم بخاطر بروز دگرگونی عمیق در ارزش‌ها بسیار متفاوت می‌باشند و این جریان نه تنها در ایران بلکه در اغلب کشورهای در حال توسعه برقرار می‌باشد (مفیدی، ۱۳۹۶). با این توصیف، هدف اصلی پژوهش حاضر، تبیین جامعه‌شناختی شکاف نسلی، ابعاد و چالش‌های آن است که به طور دقیق در زیر آمده است:

- شناسایی چالش‌های دینی-مذهبی شکاف نسلی
- شناسایی چالش‌های فناورانه شکاف نسلی
- شناسایی چالش‌های سیاسی شکاف نسلی
- شناسایی چالش‌های اقتصادی شکاف نسلی
- شناسایی چالش‌های اجتماعی شکاف نسلی
- شناسایی چالش‌های فرهنگی شکاف نسلی

۲. مرور تجربی و نظری

از دهه‌های قبل تا به امروز پژوهش‌های مختلفی حول محور شکاف نسلی صورت گرفته است که می‌توانیم آن‌ها را در دودسته کلی تقسیم کنیم. گروهی از پژوهشگران تمرکزشان بر وجود یا عدم وجود شکاف نسلی در داخل و خارج از کشور می‌باشد. در این زمینه می‌توان به بررسی‌های جانعلیزاده چوب بستی و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کرد که طی در نتیجه تحقیقات خود به مقوله تفاوت نسلی دست یافته‌اند و نه شکاف نسلی. همچنین معیدفر (۱۳۸۳) نیز با روش تحلیل ثانویه به نتیجه مشابه جانعلیزاده دست یافته است. قاضی نژاد (۱۳۸۳) در پژوهش خود به تفاوت ارزش‌های نسل جوان و میانه دست یافته است؛ علی‌رغم اینکه آن‌ها باهم اشتراکاتی از قبیل ارزش بودن امنیت، همکاری، نظم و... نیز دارند. با در نظر داشتن سرعت تغییرات اجتماعی انتظار می‌رود شاهد تغییرات ارزشی و نگرشی بین نسلی باشیم (اسکات و شومن، ۲۰۱۰). آزاد ارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳) نیز در مطالعات خود دریافته‌اند که به خاطر حاکمیت سنت و مذهب و عدم وجود امنیت اقتصادی، دگرگونی یا گسست ارزشی بین نسل‌های مختلف موجود در جامعه مشاهده نمی‌شود. همچنین ساروخانی و صداقتی فرد (۱۳۸۸) طی بررسی‌ای حول محور شکاف نسلی در خانواده ایرانی دریافته‌اند تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان ارزش‌های نسلی با خانواده و روابط میان نسلی و درون نسلی وجود ندارد و برعکس نوعی وفاق جمعی میان این ارزش‌ها با نسل جوان دیده می‌شود. باتوجه به انجام تحقیقات آنها در دهه‌های گذشته طبیعی است که نتایج آن قابل تعمیم به جامعه امروزی نباشد؛ چرا که امروزه جوامع مختلف من جمله ایران از سنت و ارزش‌های آن فاصله گرفته و در حال توسعه و پیشرفت بسوی مدرنیته می‌باشند، در نتیجه تفاوت ارزشی فاحشی میان نسل جدید و گذشته رؤیت می‌شود. همانطور که منجزی‌پور (۱۳۹۳)

نشان داد شکاف نسلی با متغیرهای مدرنیزاسیون، افزایش فردگرایی، پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، شاغل شدن مادران و درآمد ماهانه خانواده ارتباط معنادار دارند. مارگارت مید (۱۹۷۰) نیز علت رفتار ضدفرهنگی جوانان غربی را وجود فاصله نسلی بین متولدین قبل و بعد از جنگ جهانی دوم می‌داند.

گروهی دیگر از پژوهشگران توجه‌شان بر نقش رسانه به‌ویژه اینترنت و ماهواره و تاثیر آنها بر ایجاد شکاف نسلی می‌باشد. پژوهش‌های قدیمی (۱۳۸۷)، مقتدایی و زیبا کلام (۱۳۹۹) و احمدی و احیایی (۱۳۹۲) ذیل این دسته از پژوهشگران هستند که به رابطه رسانه و شکاف نسلی توجه داشته‌اند. معیدفر (۱۳۸۳) دسته‌بندی دیگری در زمینه وجود یا فقدان شکاف نسلی ارائه می‌دهد. گروه اول معتقدان به وجود شکاف نسلی در ایران؛ گروه دوم باور به فقدان شکاف نسلی و اعتقاد به تفاوت نسلی؛ گروه سوم اعتقاد به مسئله بودن شکاف فرهنگی و نه شکاف نسلی، و در نهایت گروه آخر شرایط کنونی را دارای پتانسیل گسترش و تعمیق تفاوت نسلی و بروز شکاف نسلی می‌دانند.

باوجود تمامی تحقیقات صورت گرفته همچنان در حوزه شکاف نسلی در ابعاد نظری و عملی و پیامدهای جامعه‌شناختی و راهکارهای آن خلأهایی وجود دارد. پژوهش‌های پیشین دید وسیع آسیب‌شناختی نسبت به موضوع نداشت که در نهایت دیدگاه بدیعی از شکاف نسلی و چگونگی بهبود وضعیت آن در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

اندیشمندان متعددی حول محور شکاف نسلی به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند و اهمیت آن از دید صاحب‌نظران به دور نبوده است. در ادامه به بررسی نظریات مربوطه می‌پردازیم. کارل مانهایم مطالعات بسیاری در حوزه نسل‌ها داشته است که طی آن سعی در تفکیک معانی مفاهیم موقعیت نسلی، واحد نسلی و واقعیت نسلی داشته تا اختلاط این مفاهیم را آشکار سازد. در موقعیت نسلی، افراد بایستی متولد یک فضای فرهنگی و تاریخی یکسان باشند، اما واقعیت نسلی چیزی فراتر از اشتراک در فرهنگ و تاریخ، و نیازمند یک حلقه اتصال عینی می‌باشد (مانهایم، ۱۹۵۲: ۳۹۵).

مارگارت (۱۳۸۵) مید برای بررسی فاصله نسلی از سه نوع جامعه یاد می‌کند:

۱. جامعه پست‌فیگوریشن^۱: دگرگونی کم، زندگی سه نسل باهم و پذیرش وضع موجود بدون پرسش و اعتراض.
۲. جامعه کوفیگوریتو^۲: عدم الگوگیری از نسل گذشته، نامناسب دانستن سبک زندگی آنان و مراجعه نسل جدید برای الگوگیری به هم نسلان خود.

^۱ postfigurative culture:

^۲ cofigurative culture

۳. جامعه پرفیگوریتیو^۱: دگرگونی بسیار شدید بین نسلی و محکوم و رهایی حال و گذشته توسط نسل جدید و تلاش برای ساختن دنیایی جدید. مارگاریت مید می گوید فاصله نسلی ایجاد شده بین دو نسل قبل و بعد از جنگ جهانی دوم، از این نوع می باشد. گیدنز بر این نکته تأکید دارد که هر نسل به مقدار قابل ملاحظه ای سبک زندگی پیشینیان خویش را از نو کشف و بازسازی کرده و به شکل جدید به آن عمل می کند؛ اما در عصر امروز از نو شروع کردن تقریباً مفهوم خود را از دست داده است (گیدنز، ۱۳۹۸: ۲۰۷). در این صورت افراد به جای نگاه به گذشته بر شیوه های مدرن تر تأکید دارند. از این دید گیدنز نسل را مانند هم دوره ای های اجتماعی در نظر می گیرد به همین خاطر تفاوت نسلی یعنی تفاوت آرمان ها، باورها، اعتقادات، ارزش ها، سبک زندگی و... در نسل حاضر و پیشین (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۵). رونالد اینگلهارت (۱۳۳)، نیز معتقد است جوامعی که صنعتی شده اند، اولویت های ارزشی آنان از مادیات و مسائل مربوط به امنیت اقتصادی و اجتماعی عبور کرده و بیشتر بر حق آزادی ابراز عقاید و ارزش های فرامادی تمرکز دارند. اینگلهارت دو فرضیه برای این تغییر ارزش نسلی مطرح کرده است: ۱- فرضیه کمیابی ۲- فرضیه اجتماعی شدن (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۵ و ۷۶). وی با ترکیب دو فرضیه نامبرده، ارتباط موجود میان سال تولد به معنای نسل و ارزش های فرامادی را تبیین کرده و توسعه اقتصادی کشورها را با ارزش های فرامادی آنان در ارتباط قرار داده است. در رویکردی که کریستوفر بالز^۲ آ دارد، شکل گیری هر نسل جدید با فرایندهای ذهنی آن مترادف است. وی به بررسی تاثیر عوامل کلان ذهنی و عینی بر ارزش های ذهنی افراد می پردازد. کارل مانهایم معتقد است اواخر نوجوانی و اوایل جوانی، بازه اصلی شکل گیری دیدگاه های فرد راجع به مقولات مختلفی سیاسی و اجتماعی می باشد (شومن و اسکات، ۱۹۹۵). پیر بوردیو بر این باور است که افراد طبق ذهنیت منحصربه فرد خویش که تحت تأثیر محیط اجتماعی است، جهان و محیط اجتماعی را می بینند و بر مبنای آن به کنش می پردازند. بوردیو چالش های نسلی را مانند سایر تعارضات اجتماعی، مستقل از طبقه و نظام قشر بندی اجتماعی نمی داند و در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی به تحلیل تعارضات نسلی در ابعاد متخلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فکری می پردازد (توکل و همکاران، ۱۳۸۲). به عبارتی نسل های مختلف موجود در جوامع هریک در جهان های متفاوتی زندگی کرده و براساس ذهنیت خاص خود به کنش و واکنش می پردازند (مصطفوی کهنکی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ بدین سان بوردیو به جای تبیین شکاف نسل ها با معیار ذهنی بر هویت ویژه نسلی با رویکرد عینی به بررسی تعارضات نسلی می پردازد؛ از این رو نسل به عنوان پدیده ای اجتماعی در نظر بوردیو ماحصل تضاد بر سر

¹ prefigurative culture

² Christopher Bollas

منابع اقتصادی و فرهنگی در درون یک میدان مشخص می‌باشد. مسئله اصلی نسل‌ها در نظریه بوردیو، توزیع نابرابر سرمایه‌های مختلف در میان نسل‌ها در میدان‌های مختلف است. وی در کتاب نظریه کنش، به تعارضات میان نسل‌های سنتی و محافظه‌کار، پیر و جوان، استاد و دانشجو در میادین مختلف می‌پردازد (بوردیو، ۱۳۸۰: ۵۱).

دورکیم (۲۰۰۰) برای پدیده‌های اجتماعی، علل اجتماعی مانند شرایط نامناسب خانواده، ناسازگاری والدین، بزه‌کاری والدین وضع نامناسب اقتصادی و... قائل بود که این‌ها در بزه‌کاری افراد و وقوع آسیب‌های اجتماعی نقشی تعیین کننده دارند. در نتیجه تغییرات اجتماعی به وجود آمده خانواده و کارکردهای پیشین آن نیز دچار تحول شده و شاهد تعارض میان والدین (نماینده نسل پیشین) و فرزندان (نماینده نسل جدید) خواهیم بود که می‌توان از آن به عنوان شکاف نسلی یاد کرد. در این صورت فرزندان اندک اندک از خانواده خویش فاصله می‌گیرند چراکه درک متقابل میان آنان کم‌رنگ می‌شود. تداوم این وضعیت موجب می‌شود جوانان در پی احساسات منفی دچار انحراف اجتماعی و مشکلات مختلف فرهنگی و اجتماعی شوند.

صاحب نظران نظریه تغییرات نگرشی میان نسلی معتقدند افراد هر نسل در هر لحظه در معرض تغییرات نگرشی قرار دارند که دو دلیل اصلی می‌تواند داشته باشد:

۱. قرارگیری افراد یک‌نسل واحد در موقعیت‌های جدید که به تدریج بر نگرش آنان اثرگذار باشد.
۲. قرارگیری افراد یک نسل در مراحل مختلف زندگی خویش که ممکن است منجر به تغییر نگرش آنان شود. مانند تحصیلات و تأثیر آن بر موضوعات گوناگون از قبیل فرزندآوری، نقش‌های جنسیتی و....

نظریه کنترل اظهار دارد پیوند سست بین افراد و جامعه باعث انحراف افراد می‌شود در صورتیکه وجود پیوند محکم باعث می‌شود انحراف دارای تاوان شدید باشد (استارک، ۲۰۱۶). طبق همین اصل، اف. ایوان نای، بیشترین نرخ کجرفتاری را میان جوانان با روابط خانوادگی ضعیف و کنترل اجتماعی اندک می‌داند.

به‌طور کلی نظریات کارکردگرایی ساختاری به دلیل تأکید بر اشتراک ارزش‌ها و انتقال آن به نسل‌های آتی و اعتقاد به تعادل در نظام اجتماعی، برای جامعه ایران که تغییرات اجتماعی و اقتصادی گسترده را پشت سر گذاشته و شکاف نسلی به‌صورت بحرانی آشکار درآمده؛ کفایت نظری لازم برای جامعه ایران ندارد. نظریات تضاد ساختاری نیز معتقدند توزیع نابرابر ثروت و قدرت و انحصار آن در دست بزرگسالان باعث شکل‌گیری تضاد نسلی شده است؛ اما در جامعه ایران عامل اصلی شکاف نسلی، حوادث تاریخی و اجتماعی و جریان جامعه‌پذیری متفاوت و گسترش وسایل ارتباط جمعی است که باعث کاهش تعامل مستقیم والدین و فرزندان شده و از طرفی هویت نسلی خاصی و متفاوت با گذشته را موجب گردیده است. به همین خاطر نظریه

مانهایم، مید، بکر، اینگلهارت و بنگتسون به دلیل توجه‌شان به تاثیر تعاملات درون خانوادگی بر شکاف نسلی تبیین‌هایشان با جامعه ایران سازگاری بیشتری دارد.

۳. روش پژوهش

مطالعه حاضر به روش مروری و اسنادی بوده است که در آن مروری بر چالش‌های شکاف نسلی و پیامدهای آن در عصر دیجیتال صورت گرفته است و مراحل انجام کار به شرح زیر می‌باشد:

۱. تعریف مسئله و تعیین کلیدواژه‌ها: در مرحله نخست شکاف نسلی و چالش‌های آن در

عصر دیجیتال به عنوان مسئله اصلی پژوهش تعریف شد. کلیدواژه‌های اصلی «شکاف نسلی»، «هویت دیجیتال»، «ارتباطات نسلی»، «گسست نسلی» و «تغییرات فرهنگی» تعیین شدند تا جستجوی سیستماتیک در منابع تسهیل شود.

۲. جست‌وجوی منابع و گردآوری داده‌ها: فرایند جست‌وجو با استفاده از کلیدواژه‌های

تعیین‌شده و بدون محدودیت زمانی در پایگاه‌های علمی معتبر بین‌المللی و داخلی گوگل اسکالر، پرو کویست، ساینس دایرکت، اس‌آی‌دی، نورمگز، مگیران و علم‌نت آغاز شد. طی جست‌وجوی اولیه ۳۰۵ مقاله یافت شد.

۳. غربالگری مقالات: طی این مرحله مقالات گردآوری شده مورد بازبینی قرار گرفته و براساس

معیارهای ارتباط مستقیم با موضوع شکاف نسلی در عصر دیجیتال، ارائه داده‌های تجربی یا تحلیل‌های نظری معتبر، انتشار در نشریات علمی معتبر، تکراری نبودن مقالات غربال شدند. همچنین معیار ورود به مطالعه شامل مطالعاتی توصیفی و تحلیلی یا مرور نقلی یا سیستماتیک است. پس از این مرحله، ۳۷ عدد از مقالاتی که معیارهای فوق را داشتند در تحلیل نهایی گنجانده شدند.

۴. تحلیل داده‌ها و استخراج مضامین: مقالات منتخب به صورت دقیق مطالعه و اطلاعات مرتبط

از آن‌ها استخراج شد. تحلیل‌ها شامل شناسایی عوامل مؤثر بر شکاف نسلی و پیامدهای آن بود که در آخر راهکارها نیز ارائه شد. علاوه بر این شباهت‌ها و تفاوت‌های نسلی از منظر استفاده از فناوری‌های دیجیتال نیز بررسی شد. جامعه آماری این مطالعه کلیه مقالاتی است که در زمینه شکاف نسلی و پیامدهای آن به نگارش درآمده و در عین حال از ویژگی‌های لازم پژوهشی از جمله روایی و پایایی داشتن، نمونه‌گیری و جامعه آماری مطلوب، فرضیه و سؤالات متناسب با موضوع برخوردار بودند.

۵. اعتبارسنجی و نتیجه‌گیری: برای افزایش دقت، یافته‌ها با سایر پژوهش‌های مرتبط مقایسه و

تحلیل‌های جدیدی ارائه شد. در نهایت نتایج پژوهش به صورت منسجم تدوین گردید تا دیدگاهی جامع درباره شکاف نسلی در عصر دیجیتال ارائه دهد. این روش پژوهش با

رویکردی سیستماتیک و علمی تلاش کرده است تا تصویر واضحی از چالش‌های ناشی از شکاف نسلی در جامعه دیجیتال فراهم کند.



۴. یافته‌ها و بحث

پدیده شکاف نسلی ازجمله چالش‌هایی است که در زندگی فردی و اجتماعی افراد و به‌خصوص جوانان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این پژوهش درصدد آن برآمد تا مروری بر چالش‌های شکاف نسلی و پیامدهای آن داشته باشد و ابعاد مختلف آن را مورد بررسی بیشتر قرار دهد. در این پژوهش انواع و ابعاد مختلف شکاف نسلی را تحلیل کرده و برای هرکدام راهکارهایی ارائه شده است؛ چراکه جامعه‌ای که دچار معضل شکاف نسلی است از توسعه همه‌جانبه و به ویژه توسعه اجتماعی بازمی‌ماند. باتوجه به نتایج حاصل از مرور و مقایسه مطالعات انجام شده می‌توان شکاف نسلی را در ابعاد ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. فرهنگی ۲. اجتماعی ۳. اقتصادی ۴. سیاسی ۵. تکنولوژیکی ۶. دینی و مذهبی

ارکان شکاف نسلی					
فرهنگی	اجتماعی	اقتصادی	سیاسی	فناورانه	دینی - مذهبی
• ارزش‌ها • باورها • نگرش‌ها	• سبک زندگی • تعاملات • ارتباطات	• دسترسی به منابع اقتصادی • سطح درآمد • اشتغال	• عقاید سیاسی • راهبردهای مدیریت و حکمرانی	• ماهراره‌ها • فضای مجازی • اینترنت • اشیاء رسانه‌ها	• اعتقادات مذهبی • مناسک دینی

در جنبه فرهنگی شکاف نسلی شاهد تفاوت نسبتاً عمیق در اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و حتی سلايق هنری بین نسل‌های پیشین با نسل حاضر هستیم که نتایج پژوهش مارگارت مید بر روی جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۶۰ در کشورهای غربی تاییدی بر صدق این اصل می‌باشد. وی رفتار ضدفرهنگی جوانان را ناشی از فاصله نسلی متولدین بعد و قبل جنگ جهانی دوم می‌داند. شکاف نسلی در بعد اجتماعی آن به تغییرات بین نسلی در نحوه تعاملات، ارتباطات و سبک زندگی مرتبط است. مثلاً نسل‌های پیشین اغلب به دیدوبازدیدهای حضوری و مستقیم علاقه دارند در صورتیکه نسل حاضر چندان اشتیاقی به ارتباطات مستقیم نداشته و بیشتر گرایش به تعاملات آنلاین دارند. وضعیت اشتغال افراد، دسترسی آنها به منابع اقتصادی و چگونگی سطح درآمدشان از مؤلفه‌های بعد اقتصادی شکاف نسلی می‌باشد. معمولاً نسل‌های قدیمی تر بخاطر بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی موجود در دوره‌های قبل، وضعیت اشتغال و سطح درآمد به نسبت بهتری دارند تا نسل جوانی که فرصت‌های شغلی آنها توسط افراد سن بالا با سیاستگذاری‌های نادرست و عدم جوان‌گرایی اشباع شده است.

تفاوت و تغییرات در عقاید سیاسی و تفکرات راجع به چگونگی حکمرانی و مدیریت نهادهای مختلف به شکاف سیاسی منجر شده است. شکاف تکنولوژیکی میان نسل‌ها به استفاده از تکنولوژی‌های نوین از جمله ماهواره‌ها، رسانه‌ها، فضای مجازی، هوش مصنوعی، اینترنت اشیاء و... بازمی‌گردد که عموماً نسل جدید بیشتر با آن سروکار داشته و سطح توقعات آنان را نیز دگرگون کرده است. همان‌طور که دورکیم معتقد است صنعتی شدن باعث دگرگونی در جوامع شده که فاصله بین نسلی را بیشتر کرده است (لسلی و همکاران، ۱۹۸۵).

یک تفاوت قابل تأمل دیگر در میان نسل‌های موجود در اجرای مناسک دینی و باور به آنهاست که جوانان امروزه دیگر مانند نسل پیشین پایبند به اجرای آن نیستند. بلکه بیشتر به مظاهر مدرنیته می‌پردازند. جوامعی که با بیماری شکاف نسلی دست‌وپنجه نرم می‌کنند اغلب به‌طور همزمان با جوانب مختلف آن درگیر هستند. باید در نظر داشت که صرفاً با درمان یک بعد از این بیماری، از شر درد و رنج‌های ناشی از آن نمی‌توان خلاص شد. برای مثال قره یاضی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی کیفی هشت عامل را به عنوان ایجاد یا تقویت‌کننده شکاف نسلی یافته‌اند:

۱. جهان-وطن بودن: نامعقول دانستن مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی در دنیای حاضر، اشاره به دهکده جهانی و ازعان به جهانی شدن فرهنگ.
۲. نوگروری دینی: دینداری نیز مانند فرهنگ ملی در جهان مدرن دچار تحولات اساسی شده و به سان گذشته چونان سایبان مقدس عمل نمی‌کند و حداقل نسل دهه هفتاد هیچ‌کدام از مناسک دینی را انجام نمی‌دهند.
۳. سکولار شدن: یافته‌های پژوهش قره یاضی و همکاران (۱۴۰۱) نشان می‌دهد عمده پاسخگویان هویت خود را از هویت دینی متمایز می‌دانند و خود را با روندهای عرفی و سنتی نسل‌های پیشین تطبیق نمی‌دهند.
۴. نوگرایی و هویت مدرن: هرچه از نسل‌های گذشته به نسل‌های جدید پیش می‌رویم فرهنگ جهانی برجسته‌تر می‌شود به‌طوری که نسل دهه ۷۰ سبک زندگی مدرن را انتخاب کرده و معتقدند راه‌گزینی از مؤلفه‌های مدرنیته ندارند و بازگشت به جهان سنتی را غیرممکن می‌دانند.
۵. سبک زندگی مدرن: هویت دختران مورد مطالعه دچار تغییراتی نسبت به نسل‌های پیشین خود بوده است که نشان می‌دهد گرایش به فردگرایی، زیست تنهایی و دوری از جمع‌های خانوادگی دارند. ویژگی‌های فردگرایی، پرسشگری، دنیاگرایی، لذت‌جویی و نوگرایی در آنها برجسته می‌باشد.
۶. لذت و خوشی زندگی: هرنسلی باتوجه به شرایط، امکانات، خدمات و فرصت‌های موجود و همچنین بنا بر تعاملات و مناسبت‌های اجتماعی و فرهنگی خویش به خوش‌گذرانی می‌پردازد و طبیعی است که بین مؤلفه‌های ذکر شده در نسل‌های قدیم و جدید تفاوت وجود

- دارد. لذت و خوش گذرانی از جامعه سنتی تا مدرن دچار تحولاتی شده است. هرچند هر نسلی تجارب خوشایند خود را دارد اما ممکن است برای نسل بعدی خوشایند نباشد.
۷. زیست انسانی و عاشقانه: نسل مورد بررسی بجای دنباله‌روی از اهداف و آرزوی‌های دست نیافتنی در پی تجربیات مربوط به زندگی روزانه انسانی است. برای این نسل توجه به حقوق خود، دیگران و رابطه عاشقانه با تمامی امور این جهان حائز اهمیت است.
۸. زیست جهان متکثر و متمایز و ذهن بی‌خانمان: این مفهوم به گستردگی و عمق تحولات فرهنگی و اجتماعی در جهان مدرن اشاره دارد. این نسل، نسل ذهن بی‌خانمان است یعنی همان‌طور که پتر برگر می‌گوید؛ افراد در همه‌جا هستند و انگار هیچ جا نیستند. دچار زیست جهان‌های متنوع و متمایزند و هر فردی زیست‌جهانی منحصر به فرد دارد که او را از دیگران متمایز می‌سازد.
- همچنین در پژوهشی دیگر مینقی‌ا قدم و همکاران (۱۴۰۱) با مطالعه بر روی نوجوانان شهر تهران نشان دادند که بین شکاف نسلی و بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله سرقت، خودکشی، پرخاشگری، ترک تحصیل، مصرف مواد مخدر و فرار از منزل ارتباط معنادار و مستقیم وجود دارد. حسینی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعاتی حول محور مؤلفه‌های اثرگذار بر شکاف نسلی دریافتند که می‌توان آن را در پنج بعد ذیل بررسی کرد که هر کدام شاخص‌هایی نیز دارند:
۱. فردی-خانوادگی: میزان آشنایی خانواده با فناوری، ساختار خانواده، عدم ارتباط، تحصیلات والدین، سبک تربیتی خانواده، پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، اصول مدیریت خانواده، برداشت متفاوت از مدیریت و سواد رسانه‌ای والدین
 ۲. آموزشی-محیطی: نظام آموزشی، برنامه درسی پنهان، توجه به آموزش بجای پرورش و معاشرت با همسالان.
 ۳. اجتماعی-فرهنگی: رسانه‌های جمعی غربی، رسانه‌های دیداری و شنیداری، نوع استفاده از تکنولوژی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، چگونگی گذران اوقات فراغت و مدرنیسم.
 ۴. سیاسی: توزیع ناعادلانه امکانات، عدم وفاق ملی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی.
 ۵. دینی-مذهبی: عدم توجه به ارزش‌ها، میزان دینداری خانواده، غفلت از تربیت دینی و توجه به نظارت ارزشی.
- بنابر نظر پناهی (۱۳۸۰) در هر جامعه‌ای تغییرات اجتماعی سریع و عمیق باشد، شکاف نسلی گسترده‌تری رخ می‌دهد و مسائل بین نسلی بیشتر خواهد بود. هر یک از دو نسل در دو دنیای متفاوت زندگی می‌کنند و انتقال فرهنگی بصورت ناقص انجام می‌پذیرد و فرهنگ پیشین دیگر بطور کامل پاسخگوی نیازهای نسل جدید نمی‌باشد.

ایمانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی اثبات کردند بین قومیت و شکاف نسلی و تعارض گفتمان تفاوت وجود دارد. از طرفی بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و مصرف فرهنگی با شکاف نسلی رابطه معنادار وجود دارد. وی ادعا کرد آن دسته از دانش‌آموزان مورد مطالعه که در سطح اقتصادی بالاتری قرار دارند، فاصله بین نسلی آنها و تعارض گفتمانی بیشتری با نظام ارزشی جامعه دارند. همچنین تایید کردند که مصرف مادی با ایجاد فرصت انتخاب، منجر به تغییر پوشش، رفتار و در نتیجه تعارض با ارزش‌های موجود می‌شود. مطالعات ساروخانی (۱۳۸۸) نشان داد سیالیت و مجازی شدن تفکر و یادگیری، تعدد مراجع هویت بخش دینی و تربیتی، معنابخشی گروهی، ضعف انتقال ارزش‌های شناختی دین، فهم محافظه‌کارانه از ارزش‌ها، دین‌گریزی و ضعف در پیوند با ارزش‌های خانوداگی از مؤلفه‌های اثرگذار در شکاف نسلی می‌باشند که در مطالعه وی جامعه آماری مورد مطالعه دانش‌آموزان مقطع متوسط دوم منطقه چهار شهر تهران می‌باشد.

احمدی (۱۳۹۲) در تحقیق خود در رابطه شکاف نسلی و عوامل مرتبط آن بر روی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان سراب نشان داد بین جنسیت دانش‌آموزان و شکاف نسلی رابطه معناداری وجود ندارد و شکاف نسلی بین دو جنس به یک اندازه می‌باشد. بین تحصیلات پدران، دینداری، رسانه، سرمایه فرهنگی و سن با شکاف نسلی رابطه معناداری وجود دارد که نتایج تحقیقات قدیمی (۱۳۸۸) تأییدی بر درستی این رابطه می‌باشد. باقری‌فر (۱۳۹۵) از طریق بازنمایی ادراکات دانش‌آموزان علل شکل‌گیری گسست نسل‌ها را عدم درک متقابل والدین و فرزندان، کاهش صبر و تحمل، عدم تعهد به فرهنگ خودی و اختلال در فرایند الگوسازی می‌داند. نتایج پژوهش ترکی (۱۳۹۷) نشان داد دینداری، وضعیت اقتصادی و فرهنگی، تحصیلات والدین، وسایل ارتباط جمعی و سن ارتباط معناداری با شکاف نسلی دارند. یعنی بین متغیر دینداری و شکاف نسلی رابطه معکوس وجود داشته و باز افزایش دینداری، شکاف نسلی کاهش می‌یابد و برعکس. در رابطه با وسایل ارتباط جمعی نیز می‌توان گفت هرچقدر استفاده از آنها بیشتر باشد، شکاف نسلی نیز عمیق‌تر خواهد بود. هرچه افراد جامعه پست‌تر فرهنگی و اقتصادی آنها قوی‌تر باشد، شاهد شکاف نسلی بیشتری خواهیم بود. سن افراد نیز هرچقدر بالاتر رفته به همین میزان بر شکاف نسلی افزوده می‌شود. با عنایت به اینکه علل شکل‌گیری شکاف نسلی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی و دینی واکاوی شد. در ادامه برای کاهش شکاف نسلی در هر بخش بطور مجزا راهکارهایی ارائه می‌شود:

فرهنگی:

۱. تعامل فرهنگی بیشتر میان نسل جدید و پیشین در قالب رویدادهای فرهنگی مشترک، گردهمایی‌ها، جشنواره‌ها و....

۲. ایجاد فضایی برای گفتگو درباره ذائقه فرهنگی هر نسل و آگاهی بخشی متقابل برای تقویت احترام به تفکرات فرهنگی متفاوت و جلوگیری از پیش داوری.
 ۳. تقویت هویت ملی افراد درعین احترام به هویت فردی از طریق برجسته کردن اصول مشترک فرهنگی و بطور همزمان حمایت از فرهنگ‌های متفاوت موجود در جامعه.
- اجتماعی:

۱. ایجاد فضای گفتگوی بین نسلی
۲. افزایش فرصت‌های برابر و کاهش نابرابری تا افراد از هر طبقه و نژاد و با هر نوع سبک زندگی اجتماعی دسترسی لازم به منابع را بطور یکسان داشته باشند که این از طریق اصلاح سیاست‌های کاهش تبعیض‌های اجتماعی قابل دستیابی است.
۳. جامعه‌پذیری صحیح و ارتقاء سطح آگاهی و توانمندی‌های اجتماعی گروه‌های مختلف جامعه
۴. حمایت اجتماعی و پشتیبانی از گروه‌های آسیب دیده و آسیب‌پذیر مانند معلولین، زنان، اقلیت‌ها، کودکان کار و... از طریق برنامه‌ریزی‌های مختلف اجتماعی، ایجاد محیط برابر و متناسب با معلولیت افراد، ایجاد نهادهای حمایتی.

اقتصادی:

۱. ایجاد زمینه اشتغال برای جوانان و به خصوص فارغ‌التحصیلان که مورد علاقه و متناسب با تخصص‌های جوانان باشد و به دنبال آن به سطح درآمد معقولی دست یابند. در نتیجه گسست آنها از نسل‌های پیشین که فرصت و منابع را در اختیار داشته‌اند بیشتر نمی‌شود.
 ۲. آموزش‌های تخصصی و مهارت آموزی به نسل پیشین در جهت آشنایی آنان با زمینه‌های شغلی نوظهور و در نتیجه جلب توجه آنان به شیوه‌های نوظهور فعالیت اقتصادی و کاهش خورده‌گیری آنان از نسل جوان.
 ۳. مدیریت و نظارت صحیح بر دریافت مالیات به گونه‌ای که به مناطق محروم هدایت شوند.
- سیاسی:

۱. تقویت دموکراسی، شفاف‌سازی تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی مسئولین در قبال تصمیمات سیاسی‌شان می‌تواند اعتماد مردم و به خصوص نسل جوان را به خود جلب کرده و منجر به جلوگیری از شکاف نسلی در بعد سیاسی شود.
 ۲. برگزاری نشست مسئولین مربوطه با معترضین به عملکردهای سیاسی و استفاده از ایده و طرح‌های جوانان در مدیریت کشور و رفع مشکلات
 ۳. ایجاد زمینه مشارکت فعال مردم و به‌ویژه جوانان در فرایندهای سیاسی
- فناورانه:

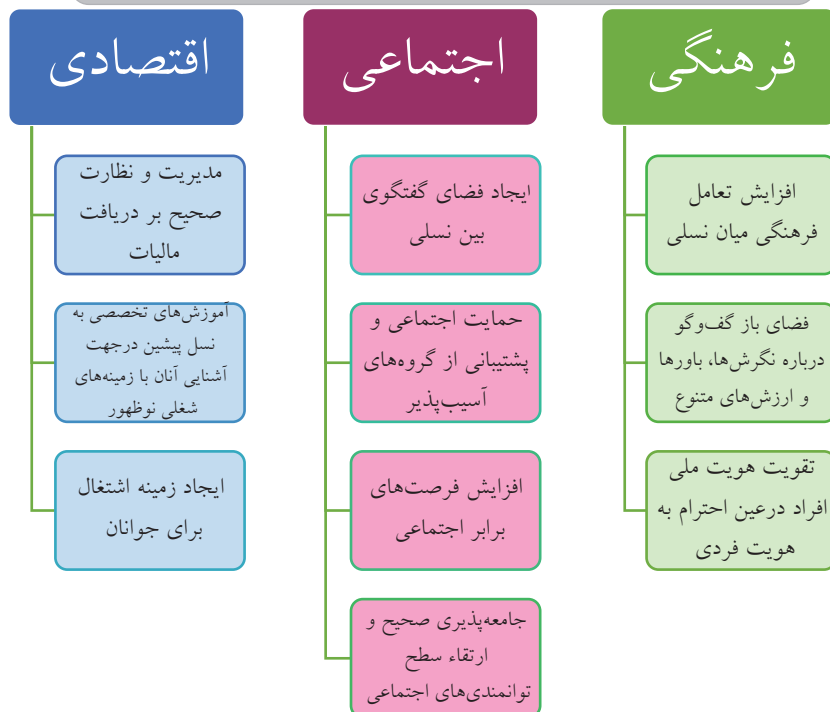
۱. دسترسی به فناوری‌های نوین برای همه نسل‌ها و نه یک نسل خاص.

۲. بکارگیری و آموزش مهارت‌های دیجیتال برای نسل‌های پیشین و توجیه فواید کاربردی آن در جهان امروز که باعث افزایش آگاهی نسل‌های پیشین می‌شود و دست از تقبیح آن برمیدارند.
۳. پوشش همگانی تشویق به توسعه و تحقیق که مانع از رشد نسل‌های متمایز شود، بلکه افراد جامعه بطور تقریباً برابر به فناوری اطلاعات تجهیز شوند.

دینی و مذهبی

۱. تأکید بر حقوق برابر برای همه اقلیت‌های دینی و مذهبی می‌تواند از شکاف نسلی بکاهد.
۲. برگزاری همایش و نشست بین معتقدان به دین‌های مختلف و ایجاد فهم متقابل بین آنها به کاهش تنش‌های دینی و همچنین کاهش شکاف نسلی کمک می‌کند.
۳. ترویج صلح و احترام به عقاید مختلف موجود در جامعه بخصوص میان نسل حاضر و پیشین. بطور کلی برای حل مسئله شکاف نسلی یک رویکرد جامع و همه‌جانبه مورد نیاز است که تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی و دینی را مدنظر داشته باشد. این راهکارها بایستی در قالب سیاست‌های خرد و کلان با همکاری گروه‌های مختلف مردمی، دولت و نهادهای مدنی در جامعه پیاده‌سازی شوند.

راهکارهای حل شکاف نسلی در ارکان مختلف آن





کتابنامه

- احمدی، آرمان و احيایی، پویان. (۱۳۹۲). «بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴.
- احمدی، آرمان و احيایی، پویان. (۱۳۹۲). «بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن مورد مطالعه: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب»، فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۴.
- ایمانی، الهه، کلدی، علیرضا و ساروخانی، باقر. (۱۴۰۰). «بررسی علل فاصله بین نسلی و تعارض گفت‌وگو دانش‌آموزان تهرانی با نظام ارزشی جامعه». فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال دوازدهم، شماره دوم صص ۳۱-۱۲.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفت صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران، انتشارات کویر.
- آزاد ارمکی، تقی و غیاثوند، احمد. (۱۳۸۳). «جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران»، تهران، انتشارات آن، چاپ اول.
- باقری‌فر، علی اکبر و صالحی، کیوان. (۱۳۹۵). «بازنمایی ادراکات دانش‌آموزان از علل شکل‌گیری پدیده گسست نسل‌ها و پیامدهای تربیتی و اجتماعی آن از منظر والدین و معلمان»، سومین همایش ملی چشم‌انداز توسعه منطقه تربت حیدریه در افق ۱۴۰۴، تربت حیدریه.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۰). نظریه کنش، ترجمه مردیها، مرتضی، چاپ اول، تهران، انتشارات نقش و نگار.

- پناهی، محمدحسین. «فاصله نسلی و اختلافات خانوادگی و چگونگی برخورد با آن». فصلنامه علوم انسانی، ویژه‌نامه علوم اجتماعی و اقتصاد، شماره‌های ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
- ترکی، روح‌الله و احمدی شکوه، علی. (۱۳۹۷). «شکاف نسلی و عوامل تاثیرگذار در میان دانش‌آموزان آموزشگاه‌های زبان انگلیسی: منطقه جنوب شرق تهران»، پژوهش ملل، دوره ۳، شماره ۳۴، صص ۱۰۵-۱۱۸.
- توکل، محمد و قاضی نژاد، مریم. (۱۳۸۵). «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، نامه علوم اجتماعی، ۲۷ صص ۹۵-۱۲۴.
- توکلی، مهناز. (۱۳۸۲). «بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی»، مجموعه مقالات گسست نسل‌ها، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- جانعلیزاده چوب بستی، حیدر و سلیمانی بشلی، محمدرضا. (۱۳۹۷). «شکاف نسلی: توهم یا واقعیت؟»، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال ۱، شماره ۱ صص ۶۳-۹۹.
- حسینی، ابوالحسن و کاظمی سراسکانرود، زهرا. (۱۴۰۲). «شکاف بین نسلی رفتار خرید تکنانشی در بستر تجارت اجتماعی»، نشریه علمی کاوش‌های مدیریت بازرگانی، شماره ۳۴ صص ۲۵۷-۲۳۲.
- ربیعی، حسین. (۱۳۹۷). «شکاف نسل‌ها»، تهران، یاقوت سرخ.
- ساروخانی، باقر و صداقتی فرد، مجتبی. (۱۳۸۸). «شکاف نسلی در خانواده ایرانی: دیدگاه‌ها و بینش‌ها». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم صص ۷-۳۱.
- صبوری خسروشاهی، حبیب و توکلی نیا، نفیسه. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر رسانه‌های ملی در ایجاد شکاف نسلی»، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال، شماره ۱۹ صص ۱۱۹-۱۰۹.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۲). «سبک زندگی»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- قاضی نژاد، مریم. (۱۳۸۳). «نسل‌ها و ارزش‌ها: بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی گرایش‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال»، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، رساله دکتری جامعه‌شناسی.
- قدیمی، مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان شهر زنجان»، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳ صص ۱۵۷-۱۳۵.
- قره‌یاضی، هاید؛ تاج‌الدین، محمدباقر و شکریگی، عالییه. (۱۴۰۱). «شناخت تجربه زیسته دختران شهر تهران از شکاف نسلی»، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی، دوره نهم، شماره ۳۴ صص ۱۸۴-۱۵۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۹). «راه سوم و بازسازی سوسیال دموکراسی»، ترجمه، منوچهر محسنی، تهران، نشر تیرازه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). «تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید»، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، چاپ یازدهم.
- مصطفوی کهنگی، فرحناز و قادیان انارمرزی، فاطمه. (۱۳۹۶). «نقش شبکه اجتماعی تلگرام در ایجاد شکاف نسلی جوانان و والدین مورد مطالعه: جوانان استان اصفهان»، دومین کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ۲۷ تیر.

- معمار، ثریا و همکاران. (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت با تاکید بر بحران هویتی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، شماره ۴ صص ۱۷۶-۱۵۵.
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۴ صص ۸۰-۵۵.
- مفیدی، مسعود. (۱۳۹۶). «شکاف نسلی و عملکرد خانواده»، تهران، نشر راز نهان.
- مقتدایی، مریم و زیباکلام، صادق. (۱۳۹۹). «نقش ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته در ایجاد شکاف نسل‌ها در ایران با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۵، شماره ۴۲ صص ۶۲-۳۵.
- منجزی‌پور، زینب (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف بین نسلی، مطالعه موردی والدین و جوانان هجده تا بیست و چهار ساله»، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران.
- مید، مارگارت. (۱۳۸۵). «فرهنگ و تعهد»، ترجمه، عبدالعلی دستغیب، تهران، انتشارات نوید شیراز.
- مینقی‌ا قدم، زینب، میرزائی، خلیل، سفیری، خدیجه و شکریگی، عالیہ. (۱۴۰۱). «رابطه شکاف نسلی با آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان شهر تهران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۲۲، شماره ۸۵.
- Becker, Henk A. (2000). «Discontinuous change and Research on Generation». Availale online at research. Fss, un nl/hb/disc.Log.htm.
- falk.richard, (2005), Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior”, Population & Development Review, 27 (Supp.): 290- 331.
- Leslie, G. R; R. F.Larson;B.L.Gorman.(1994).Introductory Sociology. London: Oxford University press.
- Leslie, Gerald. And Korman, shila, The Family in Social Context. Oxford University Press, Oxford,1985.
- Panahi, M.H. Generation gap in higher education, Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution. 2003. (persian)
- Scott, Jacqueline, Shuman, Howard (1995). Generayion and collective Memories, American Sociologocal Reviw, Vol. 54.
- Stark, r. (2016) Stark Sociology, translated by Nasrin Tabatabai and Mohammad Pourjafari, Tehran: Third Edition
- Turner, Bryan s. (1998). Aging Generations, British Jornal of Sociology, vol.46, Issue 2.